

باسمه تعالی

متن کرسی آزاد اندیشی با موضوع «آخر الزمان و کرونا»

تاریخ برگزاری ۹۹/۲/۱۴ به صورت مجازی در سامانه سیما

استاد ارائه دهنده بحث: حجت الاسلام و المسلمین عزیزی (زید عزه)

در روایات اهل بیت (علیهم السلام) موضوعاتی داریم که می توانیم به آنچه جامعه به آن مبتلا است، گره بزنیم. در ادامه دو سوال طرح و آن ها دنبال می کنیم. اساسا بیماری مثل کرونا در منشور روایات آخرالزمانی می تواند جایگاهی داشته باشد یا نه؟ سوال دوم: علی الفرض جواب مثبت سوال اول، آیا این بیماری می تواند علامتی برای ظهور باشد یا نه؟ علی الاصول، اساسا بحث بر این دو محور است.

محور اول؛ نه تنها در متون ما بلکه در متون ادیان دیگر و کتب ادیان ابراهیمی، انجیل، تورات و آثار اسلامی، می خوانیم که پیش از ظهور منجی، مرگ فراگیر به وجود می آید. حال این مرگ فراگیر عبارات و جملات خاصی نسبت به آن بیان شده، گاهی اعداد و ارقام هم دیده می شود و گاهی نه به نوع دیگری است. بنابراین قبل از ظهور منجی با مرگ فراگیر مواجه ایم. این یک مساله است که جایگاه خاص خود را دارد و در متون اسلامی روایاتی نیز در این باب داریم که حتما مستحضر هستید. در این بین روایات داریم که مرحوم شیخ طوسی الغیبه و مرحوم نعمانی در الغیبه و شیخ صدوق در کمال الدین، این را متذکر و بیان کرده اند. البته از دو امام همام نقل شده؛ یکی از امیرالمومنین علی (علیه السلام) و دیگری از وجود مقدس امام صادق (علیه السلام). بنده از کتاب الغیبه شیخ طوسی نقل می کنم و کتابی که تحقیق حقیر است، نقل می کنم که به هر حال بتوانم راحت بحث کنم. حدیث شماره ۴۳۰ در باب بیان عمر شریف حضرت از امیرالمومنین علی (علیه السلام) منقول است: «بَيْنَ يَدَيِ الْقَائِمِ مَوْتٌ أَحْمَرٌ وَ مَوْتٌ أَبْيَضٌ»؛ پیش روی حضرت، یا نزدیک ظهور حضرت، یا در آستانه ظهور حضرت یا در زمان متصل به ظهور وجود مقدس آن حضرت، دو مرگ شایع است: موت احمر و موت ابيض. البته در روایت و جَرَاذُ فِي حِينِهِ وَ جَرَاذُ فِي غَيْرِ حِينِهِ هم داریم که بحث ملخ هاست که به آن کاری ندارم. در ادامه روایت می فرماید: «فَأَمَّا الْمَوْتُ الْأَحْمَرُ فَالْسَّيْفُ وَ أَمَّا الْمَوْتُ الْأَبْيَضُ فَالطَّاعُونُ؛ اما مرگ قرمز، شمشیر است و مرگ سفید، طاعون».

اینکه حضرت موت احمر را شمشیر گفته اند، واضح و روشن است و اینکه موت سفید را طاعون فرمودند، شاید نگاه به این است که مریضی ها و بیماری های فراگیر در جامعه به وجود می آید کما اینکه ما در دوره های مختلف و در زمان ها و ازمینه مختلف، طول دوران غیبت کبری و قبل از غیبت کبری در اعصار مختلف این قصه را داشتیم. گاهی وبا، گاهی طاعون و مریضی های مختلف فراگیر آمده و رفته است که می تواند بیماری فراگیر ناشی از کرونا فی الواقع نوعی از مریضی و بیماری فراگیر باشد. کما اینکه امروز در دنیا بیش از سه میلیون نفر را درگیر کرده و

۱۰۰ هزار نفر را شاید کشته باشد. خدمت شما عارضم که ممکن است ادامه هم پیدا کند. اولین باری نیست که دنیا با چنین بیماری مواجه می شود اما شاید برای اولین بار باشد که با این دقت به روایات این موضوع رسیدگی می شود. بنابراین تنها روایتی که بتوانیم در بحث بیاوریم و مورد بررسی قرار دهیم این روایت از امیرالمومنین است. بر این شرط که موت ایض را که می تواند منشأ کوتاهی در بهداشت نیز باشد، یک عاملی بدانیم که امثال وبا، ایدز و کرونا اینها با موت قابل تطبیق اند. و اگر آن ها قابل تطبیق اند علی القاعده کرونا هم. نه اینکه بگوییم ۱۰۰ درصد. بلکه قابل تطبیق است.

پس جواب سوال اول، می تواند مثبت باشد؛ به این معنا که کرونا می تواند نه لزوماً و حتماً، مصداق موت ایض باشد چون حضرت آن را به طاعون تبیین کردند و آن هم مریضی فراگیر است و به هر حال چون مصداق اتم و معروف است، حضرت به مصداق اتم آن اشاره کرده اند.

اما سوال دوم اینکه آیا این بیماری کرونا از علائم ظهور است یا نیست؟ جواب ما این است که اولاً در مساله آخرالزمان، در مساله مهدویت ما به ندرت می توانیم حرف قطعی بزنیم. خصوصاً در حوزه مصداق پژوهی که نمی توانیم بیایم، قسم حضرت عباس بخوریم و به شکل قطعی بیایم و مدعی شویم و مصداق پژوهی کنیم. اساساً مصداق پژوهی علاوه بر اینکه حرف قابل اتکایی نیست چرا؟ زیرا ممکن است که امروز کرونا باشد و بیایم مصداق موت ایض را کرونا بدانیم و هیچ، و چون در روایات داریم که موت فراگیر دنیا را می گیرد، پس کرونا علامت ظهور امام زمان است. این حرف را نمی توانیم بزنیم و این چنین سخنی نمی توانیم بگوییم چرا که مبنای علمی ندارد. به جهت اینکه گذشته هم نظیر کرونا بیماری فراگیر داشتیم و ظهور اتفاق نیفتاده است. شاید فراگیرتر از آن چه امروزه کرونا بلایی بر سر مردم در آورده است. بالاخره کشته های طاعون و وبا خیلی بیشتر است تا کشته های کرونا. به همین سیاق ممکن است در آینده هم بیماری هایی بیاید که این مشخصه ها را داشته باشد. بنابراین سوال اول مثبت است، اما جواب سوال دوم نمی تواند حتماً مثبت باشد. چرا که اولاً؛ مصداق پژوهی در موضوع آخرالزمان نمی تواند امر قطعی باشد، چون مصادیق آن ذو مراتب است و بنابر اختلاف مراتب ممکن است، امروزه اتفاقی بیفتد و فردا اتفاقی دیگر و ...

دوم اینکه، ممکن است به هر حال همه خصوصیات آن بیماری فراگیر را به حسب مراد و مقصود معصوم نداشته باشد.

مخلص کلام ما این است که ما در آخر الزمان سه روایت داریم که معتقد به وجود مرگ سفید است. اگر بخواهیم مصداق پژوهی کنیم و بگوییم آیا کرونا می تواند مصداقی از مرگ سفید باشد؟ بله جواب مثبت است. دوم اینکه، آیا از علائم ظهور حجت است؟ فی الواقع علماً نمی توان چنین ادعایی کرد، علماً شذنی نیست. زیرا امثال این بیماری و مرگ قبلاً اتفاق افتاده و بعداً هم اتفاق خواهد افتاد. اما اینکه ظهور را معلق به کرونا بنماییم، این مساله، مساله ایی است که جایگاه علمی نداشته و حرف آخر اینکه اگر دوستان مایل باشند می توان آن را در کرسی دیگری

مطرح نمود و آن این است که ممکن است بداء در ظهور حاصل شود. و اگر بداء در ظهور را بپذیریم نمی توان مدعی باشیم که کرونا علامت ظهور حضرت حجت است. اما اینکه ظرفیت را دارد؟ بله قابل انکار نیست. ممکن است اما اینکه مدعی قصه شویم، این امکان پذیر نیست.

استاد رضوی دوست؛ توضیح مختصری راجع به علائم تدریجی و غیر تدریجی بفرماید.

علائم ظهور را باید دسته بندی کنیم. گاهی علائم تدریجی و دفعی که کمتر گفته می شود. گاهی علائم را در بستر زمان می توانیم ببینیم؛ گاهی هم تقسیم می کنیم به حتمی و غیر حتمی.

علائم تدریجی که در طول زمان اتفاق می افتد. اگر تدریجی باشد طاعون، وبا، ایدز، کرونا، سارس، آنفلوذا و ... با هم یک اپیدمی و مرگ فراگیر می شوند. ولی چون روایت از دور و از یک افق بالاتر می بیند، بشر را در حال غوطه خوردن در آن بیماری ها می بیند. گرچه ما بین سارس و کرونا یک فاصله زمانی چند ساله را می بینیم، اما امام معصوم آن را به عنوان یک بسته می بیند. بنابراین تدریج و تدرّج فی الواقع یک تکمله می تواند باشد و این یک مساله است. و مساله دوم این است که اساسا آمده که مرگ سفید و مرگ قرمز. آیا این مرگ ها جزء علائم حتمیت است یا نیست؟ و این موضوع هم به مساله بداء وصل می شود که جایگاه بحث خود را دارد. پس از یک طرف وصل به مساله بداء هستیم احتمالا، و از طرف دیگر یک تدریج و تدرّجی وجود دارد که اگر آن را در علامات ظهور بپذیریم، خوب بیماری های فراگیری که بشر را در دوران غیبت کبری درگیر خود کرده، باید جمع شود که می شود مرگ سفید. بله تاکنون مرگ سفید داشتیم و از این به بعد خواهیم داشت و شکی هم در آن نیست. اما علامت دفعی علائمی است که شب ظهور یا روز ظهور اتفاق می افتد؛ مثل ظاهر شدن دست در آسمان و صیحه آسمانی و امثال اینها. باز هم جای پای بداء وجود دارد؛ یعنی بداء مساله ای است که در سراسر مباحثه آخرالزمانی ممکن است واقعا ظهور پیدا کند به دلیل اینکه ما از علم الهی نسبت به ظهور ناآگاهیم و این ناآگاهی ما حکم می کند که به هر ترتیب این معنا را بپذیریم که ما نمی توانیم بر زمان ظهور علم پیدا کنیم. علاوه بر این روایتی که مشعر بر دفعی بودن خود ظهور دارد؛ یعنی بغته اتفاق می افتد نه تدریجی. اگر چه زمینه سازی آن می تواند تدریجی باشد. بنابراین این تدریج و تدرّج به این معناست که بگوییم کل بیماری های فراگیری که بشر در طول غیبت کبری درگیر آن شده شامل حال این قصه باشد.

استاد داور حجت الاسلام و المسلمین رضوی دوست

بسیار ممنون هستیم از فرمایشات حضرت استاد حجت الاسلام و المسلمین عزیزی. در این قسمت گوش جان می سپاریم به بیانات اندیشمند دکتر موسوی به عنوان استاد مناقش. با ذکر صلواتی بر محمد و آل محمد.

استاد منتقد: جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمد حسین موسوی

همیشه نقد این گونه است که، هم بیان نقاط قوت و هم بیان نقاط ضعف و تکمیلی یک بحث را شامل می شود. در بحث کرونا و علائم ظهور بودن این پدیده، بحث های زیادی در این مدت شده است. در فضای مجازی بسیار بسیار بحث شده است. حالا که علائم ظهور تقسیم بندی دارد و اینکه اولین مرگ سفید نیست و بعد هم اتفاق می افتد. این تعیین مصداق کار انسان معصوم است نه غیر معصوم. مساله این است که جنبه ایی که کمتر بدان توجه شده و به نظر، آن چه باید مورد بحث قرار گیرد، این است که چه ثمره علمی داشته باشد. و آن چه ما می دانیم این است که کرونا مانند سایر اتفاقات و بیماری های که قبلا بوده و هست و بعدا نیز خواهد بود و معلوم نیست که بعدا چه شود و علم نزد خداست. بحث آن جا متمرکز شود که چه زمینه های معرفتی در کرونا وجود دارد.

بنابراین، آیا ما باید بحث را به سمتی ببریم که ثمره عملی و معرفتی بیشتری دارد تا نسبت به مصداق شناسی که بحث ما نیست، بحث معصوم است. جهت تکمیل این کار استاد بزرگوار حاج آقای عزیزی و اینکه ثمره عملی برای مخاطبان داشته باشد نکاتی را بیان می کنم.

بحثی نیست که کرونا از علائم احتمالی ظهور است و سابقا هم بیماری های سفید و واگیرداری مثل طاعون، وبا و ... کشته های بسیاری نسبت به کرونا داشته است. ولی خصوصیت خاص کرونا این است که در تمام جهان همه گیر بود و این جای تأمل دارد. و می شود یکی از مصادیق مرگ سفید آن را برشمرد و نقدی خاص در اینجا ندارم. اما نقد و سوال من این است که ثمره بحث چیست؟ ثمره عملی آن چیست؟ برای اینکه ثمره عملی اتفاق بیفتد، باید دید با کرونا چه زمینه های معرفتی در انسان به وجود می آید که آمادگی ظهور انسان کامل و حضرت حجت را برای انسان و درون انسان ایجاد می کند. چه غوغایی کرده این کرونا در عالم. باطن آن چیست؟ باطن آن این است که انسان ها باید برای ظهور حضرت اگر می خواهند اتفاق بیفتد باید به حالت تضرع برسند. به حالتی برسند که دیگر باید منجی بیاید و ما را نجات بدهد. دست علم کوتاه است. دست انسان ها کوتاه است. به نظر این جهات را باید بحث کنیم. متأسفانه بسیاری از بحث ها رفته روی این نکته که آیا کرونا مرگ سفید است یا خیر؟ خوب احتمال داده می شود. بحث این است که کرونا در کل عالم، چه زمینه های درونی را برای آمدن بقیه الله الاعظم ایجاد می کند. هر چه انسان به سمت تضرع برود و اینکه به سوی خدا عرضه کند ما از خود چیزی نداریم و همه عالم به دست اوست. بشر باید به این مرحله از بلوغ برسد که ظهور اتفاق بیفتد. حال حضرت استاد فرمودند بداء. واقعا این طور نیست. شاید زودتر از موعد مقرر، اتفاق بیفتد اگر مردم به تضرع عمومی، حالت استغفار، عجز و انابه بیفتند و برای همه انسان ها ایجاد شود و همه دستشان را به سوی عالم بالا دراز کنند، زمینه ظهور و بروز اتفاق خواهد افتاد. بنابراین این فرصت است که ما بینیم انسان به آن هویت خودش که فقر و نیاز است، رسیده است نه اینکه بداند، بلکه این احساس را داشته باشد. این احساس نیاز به نظر می آید در اتفاق کرونا قابل لمس است. در جاهای مختلفی که ظاهرا مسلمان نیستند در صف های نماز ایستاده اند رو به خدای مسلمانان کردند و حالت عجز و انابه برایشان ایجاد شده

است. بنابراین اگر بحث غیر مستقیم نسبت به این مساله داشته باشیم فرصت هایی که کرونا برای ما ایجاد می کند که انسان ها به من واقعی خود، زیرا انسان ها دو من دارند؛ من خود ساخته و من حقیقی. من خود ساخته همان غرور، تکبرها و منیت ها، که قبل از کرونا دائم در حال افزایش بود. مصیبت که می آید رشته منیت را می زند. و این را فهماند که ای انسان تو در مقابل اراده ی خداوند ضعیفی. و این ویروس به این کوچکی می تواند تو را از پای در بیاورد و اینکه همیشه دم از علم و تکنولوژی می زنی، دست بردار. اگر این حالت که نزدیک می کند انسان را به من واقعی اش که احساس فقر و نیاز باشد، نزدیک می کند: (سوره فاطر، آیه ۱۵) «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی الحمید» هویت شما انسان ها فقر و نیاز است. به احساس که در آمد، این انسان زمینه ظهور حضرت حجت را فراهم می کند.. لذا پیشنهاد می شود که در زمینه های معرفتی که چه مقدماتی را ایجاد می کند این بیماری های دیگری که وجود دارد غیر از کرونا. بیماری های دیگری که انسان را کشته، کرونا به آن حد نرسیده است. از جمله در آفریقا و کشورهای ضعیف آمار گرسنگی هر روزه جان مقداری را می گیرد که آمار کرونا به آن نرسیده است. آمار کشته های گرسنگی بسیار بیشتر از کروناست.

بنابراین بیشتر بحث ما این است که کرونا زمینه خودسازی برای انسان ایجاد می کند که آمادگی ظهور و آمادگی اینکه من نیاز به وحی و آسمان دارم و همچنین نیاز به انسانی دارم که متصل به وحی است و قوانین او، قوانین الهی است، او بیاید. برای من انسان که در این عصر با تکنولوژی بالایی هستیم و لی باز می بینم که یک عامل بسیار بسیار کوچک من را از پای در می آورد.

استاد داور: جناب حجت الاسلام و المسلمین رضوی دوست

بر این اساس حضرت استاد عزیزی به این سوال و مناقشه استاد موسوی پاسخ دهند که آیا این بحث ثمره عملی دارد؟ آیا بحث از آن ضرورت دارد؟

استاد ارائه دهنده بحث: حجت الاسلام و المسلمین عزیزی

ما اساسا نمی توانیم مصداق پژوهی کنیم و مصداق پژوهی امر علمی نخواهد بود. به خاطر اینکه مصادیق، متنوع هستند. امروز امری را مصداق می دانید در حالیکه ممکن است فردا دیگری طالع شود که این مسئله در او بروز و ظهور بیشتری داشته باشد. بنابراین بحث مصداق از این حیث منتفی است، اما به هر حال وقتی اتفاقی در جامعه می افتد عده ایی دست و پا می زنند تا اتصالاتی برقرار کنند برخی از باب امیدی که دارند که قاطبه این افراد هستند ایشان به این مساله ورود پیدا کرده و امیدوارانه تعیین مصداق می کنند برخی هم از جهات دیگری تعیین مصداق می کنند. بنده شخصا عرض کردم که دو سوال مطرح است: آیا کرونا می تواند مصداق مرگ سفید باشد؟ بله می تواند اما اینکه قطعا می تواند مصداق باشد یا نه؟ ما نمی توانیم یقینا و اثباتا بگوییم اما این ظرفیت را دارد.

اما حالا فرض کنیم این مصداق باشد یا نباشد چه حُسنی دارد؟ و چه لزوم و ضرورتی دارد؟ وقتی ما نمی توانیم مصداق پژوهی کنیم علی القاعده تعیین مصداق هم ضرورتی ندارد، به دلیل اینکه یک بیماری در بین منتظران شایعه است که مربوط به حال حاضر هم نیست از قبل بوده و آنهم این است که آن قدر که ما وقت، هزینه، عمر و ... صرف پژوهش مصادیق و علائم می گذاریم، شاید عُشر (یک دهم) آن را برای صاحب علامت نگذاریم. اینکه من مسئله بداء را مطرح کردم اساسا یکی از حِکم آن همین بود که به جای علامت پژوهی، منجی پژوه شویم و این متفاوت است منجی پژوهی و علامت پژوهی. همین قصه مصداق بودن یا نبودن کرونا هم بر می گردد به مسئله علامت پژوهی فارغ از منجی پژوهی.

مسئله بعدی پس ضرورتی ندارد که بیایم و کار علمی بکنیم. من هم تا آنجا که مورد سوال قرار نگرفته بودم قصد ورود به این قصه را علی القاعده نداشتم. به جهت اینکه تحقیقاتی در حوزه مهدویت داریم سوال می کنند که آیا هست یا نه؟

ما نمی گوییم که از علائم ظهور است البته به جهت جهلی که نسبت به اصل ظهور داریم نفی کامل هم نمی توانیم بکنیم، ما علمی نداریم. اینکه می تواند موت سفید باشد بله این ظرفیت را دارد، اما اینکه حتما هست را هم نمی توانیم بگوییم چرا که چون قبل بوده و بعد هم خواهد بود.

مساله دوم آیا این کرونا می تواند ثمره عملیه البته آخرالزمانی داشته باشد؟ پاسخ مثبت است مثل سایر پدیده ها. هر پدیده ای که اتفاق می افتد در عالم می تواند ثمرات علمی، عملی خاص یا ثمرات تربیتی داشته باشد. به نظر می آید ثمرات عملی کرونا می تواند مورد مذاقه قرار بگیرد.

۱ - بالاخره بشر سرش را به سمت آسمان برد و خود این مساله، مساله مهم است. ما در روایات آخر الزمانی داریم که مطالبه منجی، یک مطالبه عام خواهد شد. همه مردم دنیا منجی را صدا خواهند زد. حالا شیعه و سنی، مسلمان در یک صف، مسیحی در یک صف، یهود هر کدام در یک صف و ادیان دیگر نیز هر کدام در یک صف. آنچه امروزه ما فهمیدیم این است که این ویروس موجب شد یک مطالبه عمومی نسبت به ظهور منجی اتفاق بیفتد و افتاد. بشر امروز به این نتیجه رسیده که نیازمند منجی است. این یک ثمره علمی که به هر حال استاد هم فرمودند.

۲ - نکته دوم؛ ما در روایات داریم که همه مسلک ها، مرام ها و گرایش ها می آیند قبل از ظهور امام زمان (عج) حکومت می کنند که بعد از ظهور حضرت کسی مدعی نشود که اگر ما هم حکومت می کردیم عدل فراگیر را ایجاد می کردیم. خوب امروز انواع و اقسام حکومت ها در دنیا وجود دارد و این انواع و اقسام، همه با هم به بن بست رسیده اند به این معنا که بشر الان متقاضی حکومت مبتنی بر آسمان و ملکوت است. عالم، حاکمیت مبتنی بر وحی را مطالبه می کند. این از ثمرات این ماجرا است. بشریت به این نتیجه رسید که حاکمیت های ساخت بشر و تعریف شده و تحدید شده توسط بشر در حدود خاصه خودش، حاکمیت کامل نیست و حاکمیت منجی و ناجی

نیست. حکام هم بخشی از این حاکمیت هستند. بنابراین علاوه بر ثمره اول که مطالبه منجی بود، فهم بشر به نقصان حاکمیت بشر را هم اضافه می کنیم فی الواقع اینها ثمرات تجربی این مسئله است.

۳ - نکته سوم؛ این مسئله می تواند غربال هم باشد که در روایات داریم در طول زمان هر چه به ظهور نزدیکتر شویم، این غربال سخت تر می شود. در جامعه قبل از ظهور حجت غربالی اتفاق می افتد که می تواند یاران خاص حضرت را به دنیا نشان بدهد. یک وقتی هست که اتفاقی می افتد و ما سوال می کنیم که آیا کسی هست که در راه منجی جان فشانی کند؟ امروزه آن هایی که جان خود را در کف دست خود گذاشته اند مانند کادر درمان، گروه های جهادی جان بر کف از قبیل بسیج و سپاه و حوزه علمیه و .. فی الواقع برای عبور بشر از یک صعوبت دارند جان خود را فدا می کنند. خوب این همان غربالی است که ما در باب تمحیص روایات متعددی داریم که فقط صاحب کمال الدین بیش از ۶۰ روایت در این خصوص بیان می کند. این ها می تواند ثمرات عملی این مساله باشد که باید مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

ما در همین مدت کوتاه با افرادی مرتبط بودیم که مسلمان هم نبوده و گرایش مذهبی هم نداشته اند، در خارج از مرزها هم زندگی می کنند، اما حالا دارند با ما ارتباط می گیرند و از منجی سوال و صحبت می کنند و معتقد هستند که مسیح در حال بازگشت است. در بین مسیحیت به شدت رواج فراوان گرفته همچنین در بین یهود و مسلمانان این ثمرات وجود دارد. ثمرات دیگری هم وجود دارد مانند اتصال انسان به منبع ملکوت و اساس ملکوت، خداوند متعال هم در جای خود. این ثمرات عملی زمینه های معرفتی را به وجود می آورد. این ثمرات نباید ما را به سمت مصداق پژوهی سوق بدهد. این ثمرات نباید ما را به این سمت سوق بدهد که این مصداق اکمل پیش از ظهور است. اینگونه نیست که ما مصداق پژوهی را به این ثمرات متصل کنیم. این می تواند یک زاویه خطرناک باشد که در موضوع اتفاق بیفتد و پرهیز می دهیم. و عرض می کنیم که ثمرات عملی این موضوع نمی تواند به صورت قطعی مرتبط با موضوع مصداق پژوهی باشد، به شکل احتمالی اشکال ندارد. باید حداقل احتیاط در آن رعایت شود.

خلاصه کلام اینکه، یک؛ مصداق پژوهی ضرورتی ندارد، ما باید به سمت گرایش به منجی برویم نه به سمت علامت پژوهی. الا در موارد خاص علائم را بررسی کنیم. دو؛ ثمرات عملی و تربیتی دارد که یکی یا بخشی از آن، ثمرات آخرالزمانی است که سه مورد را بررسی کردیم.

استاد داور: جناب حجت الاسلام و المسلمین رضوی دوست

در ادامه استاد رضوی دوست از جناب حجت الاسلام و المسلمین پرسیدند: اگر مصداق پژوهی را کلا کنار بگذاریم چگونه متوجه خواهیم شد که شخصیتی خواهد آمد و اعلام خواهد کرد که من منجی عالم بشریت هستم، ایشان امام زمان (علیه السلام) هستند؟

استاد ارائه دهنده بحث: حجت الاسلام و المسلمین عزیزی

جناب استاد عزیزی در پاسخ فرمودند؛ وقتی ما از مصداق پژوهی صحبت می کنیم و می گوییم مصداق پژوهی باید جای خود را به منجی پژوهی بدهد در واقع قصه این است که اگر معرفت نسبت به منجی در حد مطلوب خود قرار بگیرد، شناخت منجی کار دشواری نخواهد بود. مصداق پژوهشی نه نسبت به شخص بلکه نسبت به اطراف منجی خواهد بود و ظهور می تواند یک حقیقت دفعی داشته باشد و خود مقوله ظهور می تواند یک حقیقت تدریجی داشته باشد. مثالی می زنم و آن این است که اگر خواستید خود این می تواند یک موضوع برای کرسی مفصل باشد که مدل حاکمیتی که قرآن معرفی می کند به جامعه بشریت، مدل حاکمیت مبتنی بر الگوی امامت است و از طرفی دیگر در روایات حضرات معصومین و خاصه از نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله) مکرر داریم که پیش از ظهور حضرت حجت یک حاکمیت و یک حکومتی در منطقه ای که امروز جغرافیای ایران است با الگوی امامت به وجود می آید. این حکومت زمینه ساز حکومت جهانی حضرت حجت است که نبی مکرم اسلام (صلی الله و علیه و آله) می فرماید: «بروید کمک بکنید حتی اگر شده سینه خیز روی یخ و باید بروید کمک کنید». فرض کنید، در مصداق پژوهی بیایم بگوییم انقلاب اسلامی، الا و لابد مصداق این است یا در مورد شعیب بن صالح در همین انقلاب ما ۴ یا ۵ نفر از اول انقلاب حداقل به آن متصف شدند. وقتی مصداق و مصادیق را مدار قرار دهیم، نه شخص منجی را علی القاعده توقع ما در باب ظهور، یک توقع وهمی می شود نه واقعی؛ یعنی موهومات ما غلبه می کند بر تکلیف ما و موهومات ما غلبه می کند بر علم ما، همین غلبه موهومات باعث می شود بشر به سمت یأس برود به دلیل اینکه بنده می گویم «زید» مصداق «شعیب بن صالح» است و شما می گوید «عمر» مصداق «شعیب بن صالح» است. زید و عمر می میرند ولی خبر از ظهور نمی شود، خوب مردم دچار یأس و ناامیدی می شوند و اساساً امید خود را از دست می دهند. حالا، حضرت را چگونه شناسایی کنیم، خود این یک مساله است و مدل شناسایی حضرت در علائم، علائم دفعی داریم. علائمی که قابل انکار نیست وقتی حضرت ظهور می کند اولاً؛ علائم دفعی به ما می گوید. دوماً؛ شخصیت حضرت به ما می گوید. الان چقدر ما در شهر زاهدان منجی تقلبی داریم. چند وقت پیش شخصی آمد پیش من و گفت من از طرف امام زمان (علیه السلام) آمدم و گفت که حضرت فرموده می خواهم همین روزها ظهور کنم به فلانی بگو یاران مرا آماده کند و می خواهم از فلان شهر وارد شوم و فلان شخص فلان کاره و..... چقدر از این آدم ها زیاد هستند. اما منجی قاعده خودش را دارد چطور پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را شناختند یهودیان فرمود، «يعرفون كما يعرفون ابناءهم» یعنی همانطور که بچه های خود را می شناختند پیامبر را هم می شناختند. ثانياً عالمان بصیر و آگاه که سند هستند برای ما در جامعه حضور دارند و بعضی از تکالیف، تکالیف آنها است و ما الان در عصر نیابت عام هستیم و تکلیف ما را در عصر نیابت، نائب عام مشخص خواهد کرد. بنابراین راه برای شناخت منجی وجود دارد. اما مصداق پژوهی امر دیگری است؛ مثلاً شما می گوید ابرهای سیاه که بلند می شود، جنگی می شود در خلیج فارس چاه نفت بمباران می شود. ابرهای سیاه بلند می شود و عده ای داد و بی داد که

این ابرهای سیاه، ابرهای قبل از ظهور است. و آقایی کتابی می نویسد که سال ۲۰۱۲ سال ظهور است و کتابش در قم منتشر می شود. هالیوود فیلمی براساس همان فرضیه به عنوان ۲۰۱۲ می سازد و کل دنیا پخش می شود و دنیا خراب می شود. آمریکای ها درشتش می کنند و یک موج بی ثمر به وجود می آید و بعدش ۲۰۱۲، ۲۰۱۳ می شود و هیچ اتفاقی نمی افتد. ما در همین سال های اخیر از ۲۰۰۰ به بعد حداقل ۲ یا ۳ نوبت وعده ی با پشتوانه های عجیب و غریب از افواه مختلف شنیده ایم و منشا آن وعده مصداق پژوهی هایی است که هست.

پس مصداق پژوهی امری غیر از منجی پژوهی است و من تأکید می کنم. وقتی منجی پژوه باشیم علی القاعده مصادیق برای ما قابل حل است و اما اگر نه علامت پژوه باشیم بعد آن موقع طبعاً به سمت مصادیق حرکت کنیم، چون منجی را نمی بینیم. ببینید پژوهش در باب مصادیق و پژوهش در باب علامات، حجاب پژوهش در باب شخص منجی است. حجاب در مقابل پژوهش تکلیفی است که من دارم و من باید تکلیف خود را خوب بشناسم و بدانم که سفیانی الان در ارتش سوریه است یا ارتش اردن یا حتی شاید سفیانی یک مدل حاکمیتی باشد و فرد نباشد و حال من بروم و مصداق پژوهی کنم که قرآن کریم این منطق را رد می کند. اصحاب کهف رفتند داخل آن غار یک عده گفتند ۴ نفر، عده ای گفتند ۵ نفر بودند، عده ای گفتند ۶ نفر، قرآن می فرماید شما دعوا دارید که سگ اصحاب کهف پنجمی بود، ششمی بود یا هفتمی. قرآن محترمانه می فرماید به شما ارتباطی ندارد و شما بروید عبرت آن را یاد بگیرید؛ یعنی ثمره عملی آن را ببینید. پس مصداق پژوهشی حجاب می شود و نمی گذارد به تکلیف خودم مشغول شوم و اشتغال من را تغییر می دهد و زاویه می دهد. اشتغال مرا به سمتی که از منجی خود غافل بشوم. و ما می خواهیم وارد قصر بزرگی بشویم. در آن در زیبایی است. پشت در می نشینیم و راجع به آن صحبت می کنیم. درحالیکه مولا داخل است و منتظر ما. یک بنده خدایی امام صادق (علیه السلام) را دید و گفت چه عصای خوبی داری! حضرت فرمودند این عصای جدم پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) است. آن عصا را بوسید و اظهار ارادت کرد. بعد امام فرمود: من را که از پوست و گوشت پیامبر هستم شما به من اعتنایی نمی کنی و چوب را می بوسی؟! خدا خیرتان بدهد. واقعیت این است که مصداق پژوهی با منجی پژوهی متفاوت است منجی پژوهی قاعده خودش را دارد. مصداق پژوهی جامعه را به سمت توهم ظهور، سوق می دهد و این توهم می تواند برای ما مخرب باشد.

استاد داور: جناب حجت الاسلام و المسلمین رضوی دوست

جمع بندی مطالب ارائه شده؛

دو نکته در مورد کرونا مطرح است که آیا کرونا می تواند ارتباطی با علائم آخر الزمانی داشته باشد؟ دو نکته را بیان شد: اینکه اگر بخواهیم تعیین مصداق کنیم با توجه به سه روایت که در مرگ سفید در آخر الزمان آمده، این امکانش هست و می تواند جزء مصداق های آن باشد. اما تعیین مصداق کار خطرناکی است به معنای اینکه اگر ما درگیر تعیین مصداق باشیم به جای منجی پژوه باشیم. به جای مصداق پژوهی منجی پژوهی باشیم. اگر بخواهیم

بگوییم این از علائم آخرالزمانی است این علماً غیر قابل پذیرش است و بهتر است جنبه های عملی مورد بررسی قرار گیرد. به جای اینکه مصداق پژوهی کنیم منجی پژوه باشیم و در باب ثمرات عملی سه ثمره را بیان کردند که همه اینها ثمرات تربیتی دارد.

- ۱- توجه جامعه بشری در سراسر جهان به سوی خداوند متعال و مطالبه منجی به معنای عام. اینکه همه عالم و مردم دنیا دست به سوی آسمان برده، مشتاق و طالب منجی عام و آسمانی شدند، این امر بسیاری مهمی است.
- ۲- پی بردن به این نکته که حاکمیت های ساخت بشر برای برقراری عدالت، کامل و کافی نیستند.
- ۳- غربال گیری قبل از ظهور.

